

بررسی اجمالی سبک جهانی جدید در معماری امروز (از جستجوی درس های تاریخی تا سبک معماری مدرن)

پیمان نقی پور*: فارغ التحصیل کارشناسی ناپیوسته، مهندسی حرفه ای معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران
peyman.naghipour@yahoo.com

یاسر نریمان پور ملکی: دکتری تخصصی معماری، مدرس گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
yaser.narimanpour@gmail.com

چکیده

امروزه فناوری ابعاد زندگی انسان را چنان تحت تأثیر قرار داده است که عده ای از صاحب نظران بر این باورند؛ به زودی انسان و جهان به تسخیر فناوری در خواهند آمد. شروع ورود فناوری نوین به معماری را می توان از زمان تولید مصالح نوین، و در پی آن گرایش معماران و طراحان به جدایی سازه از بنا دانست که به اواسط قرن نوزدهم میلادی بر می گردد. در میانه قرن بیستم استفاده از فناوری با شیفتگی طراحان و مردم روبه رو شد و نمایش آن نوعی سرزندگی و حس پیشرفت جوامع را به همراه داشته است. نمایش فناوری های نوین و سازه به عنوان نمای اصلی ساختمان ها در میانه قرن بیستم شروع شد و اوج آن را می توان در اواخر قرن بیستم و سبک های تک مشاهده نمود. سوالات تحقیق بر این قرار هستند که؛ رویکرد سبک شناسی جدید برای مطالعه تاریخ معماری چه جایگاهی دارد؟ سبک شناسی معماری ایران در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟ با هدف حفاظت معماری، رویکرد سبک شناسی جدید چگونه می تواند باشد؟ این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و اسنادی درس های تاریخ، موضوع مورد تحقیق، بررسی و مطالعه شده است. در نتیجه معماری فناوری و مدرن بودن به عنوان ابزاری نیرومند و رو به رشد در دست معماران و مهندسان، ایده ها و تفکرات آن ها را بیشتر به واقعیت نزدیک کرد. در گذشته نیز مدرن بودن و ایجاد اثرات نو نیز وجود داشته و معماران نیز به دنبال فناوری و مدرن بودن نیز بوده اند. مدرن بودن همچنان ابزار مهمی برای نشان دادن مفاهیم معماری است و استفاده از آن نوعی فرهیختگی و پیشرفت را به همراه دارد، اما به عنوان هدف مطرح نمی باشد. تنوع مفاهیم نظری در معماری مدرن به این وضعیت منجر شده است که در اوایل قرن بیست و یکم یکی از گرایش های نظریه معماری مدرن، جستجوی راه های ایجاد یک سبک جدید جهانی است. وضعیت مشابهی در اواسط قرن نوزدهم مشاهده شد، زمانی که کلاسیک گرایی جای خود را به سبک های نو متعدد داد. و مشکل اصلی اندیشه معماری جستجوی سبک عصر بود.

واژه های کلیدی: سبک جهانی، معماری مدرن، درس های تاریخی، فناوری، سبک شناسی.

۱- مقدمه

سبک شناسی جدید در معماری را، به واسطه جامعیتی که در سبک شناسی وجود دارد و منجر به شناخت همه جانبه از لایه‌های مختلف موضوع می‌گردد، می‌توان یک روش جامع برای شناخت محسوب کرد. در میان روش‌ها و دیدگاه‌های مختلف پژوهش معماری، مخصوصاً تاریخ معماری، سبک شناسی جدید مورد توجه متخصصان بوده است. با نگاه اجمالی به تاریخ معماری جهان شاهد بررسی آن در سبک‌های گوناگون تا به امروز هستیم. مسئله این مقاله تأکید بر انتخاب درست و به جای رویکرد در مطالعه معماری است. در هر مطالعه معماری با هر انگیزه و هدفی که محقق برای خود تعریف نموده است، در ابتدا باید بتواند درک صحیحی از روش‌ها و رویکردهای تحقیق در این حوزه داشته باشد.

جدیدترین مفاهیم نظری منعکس کننده تلاش‌ها برای حمایت از گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های فردی معماری مدرن با برخی توجیهات فلسفی است یا ایده‌های معماران- مبتکران را نمایندگی می‌کند (Ali; 2018). تنوع این مفاهیم به این واقعیت منجر شده است که در آغاز قرن ۲۰ تا ۲۱ شاهد تلاش‌های فزاینده‌ای برای تدوین مفهوم "سبک جهانی جدید" هستیم. وضعیت مشابهی در اواسط قرن ۱۹ مشاهده شد، زمانی که "جستجوی سبک دوران" تمرکز اصلی نظریه معماری بود. این قیاس‌ها، حیاتی بودن این جمله محققین آلمانی M. Brix و M. Steinhäuser را تأیید می‌کند که «تاریخ فقط معاصر است» و قادر است به بسیاری از سؤالات مبرم پاسخ دهد. این مقاله به تحلیل تاریخچه «جستجوی سبک جدید» می‌پردازد.

سامانه جستجوی مقاله کیفی است و به همراه تفسیر و تحلیل معنایی داده‌ها، به دنبال رسیدن به تعریف رویکردی مناسب و کاربردی برای سبک شناسی معماری ایرانی است. این پژوهش را می‌توان از نوع نظری و کاربردی دانست. رسیدن به تعریف کاربردی برای سبک، مقاله را از وارد شدن در وادی مبانی نظری صرف بازداشته و بیشتر بر نگاه عملیاتی تأکید دارد. از آنجایی که چهارچوب مقاله بر اساس شرح، بررسی و نقد وضع موجود بنا شده است و ادبیات موضوع در تمام بدنه آن مورد نظر قرار گرفته، از ذکر آن تحت سر تیتیر پیشینه تحقیق در مقاله، صرف نظر شده است.

۲- سوالات پژوهش

- رویکرد سبک شناسی جدید برای مطالعه تاریخ معماری چه جایگاهی دارد؟
- سبک شناسی معماری ایران در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟
- با هدف حفاظت معماری، رویکرد سبک شناسی جدید چگونه می‌تواند باشد؟

۳- روش تحقیق

این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و اسنادی درس‌های تاریخ، موضوع مورد تحقیق، بررسی و مطالعه شده است.

۴- پیشینه تحقیق

در این بخش سعی شده به مدد مطالعات پژوهشگرانی که به مبانی و روش‌ها پرداخته‌اند و همچنین بررسی پژوهش‌های موجود در باب معماری روش‌های پژوهشی موجود معرفی گردد (جدول ۱). اگر از اشاره به اطلاعات معماری که در کتیبه‌ها، سفرنامه‌ها، دانش‌نامه‌ها، اسناد تاریخی، تاریخ‌نامه‌های عمومی و دیگر متون پراکنده در باب معماری ایران آمده است صرف نظر می‌شود نه به دلیل اهمیت اندک آن‌ها بلکه به این دلیل است که روش شناسی این نوع منابع را نمی‌توان به روش‌های پژوهشی در حوزه معماری مرتبط دانست. با وجود اشارات فراوانی که از معماری در این متون کهن دیده می‌شود اما تنها در دوره‌ی معاصر است که در ایران، تاریخ‌نگاری معماری به صورت تخصصی دیده می‌شود.

رویکرد گوناگون از این جهت به وجود آمده‌اند که اهداف، انتظار و نتایج گوناگون از مطالعه معماری در حوزه‌های مختلف وجود دارد. با توجه به هدف، رویکرد و روش انتخاب با تعریف می‌شود. در این جستجو عامدانه شناخت معماری از شناخت تاریخ معماری تفکیک نگاشته است باور بر این است که در مطالعه معماری تاریخ مستتر است و شناخت تاریخ آن چیزی جز شناخت خود آن نیست. تفاوت تاریخ معماری با تاریخ دیگر علوم یا دیگر هنرها در این است که در تاریخ معماری گذشته در اثر معماری حضور دارد.

سبک زبانی است که می‌کوشد آنچه را از کشوری به کشور دیگر در معماری به ظهور می‌رساند آشکار سازد (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱: ۲۴۶). سبک معماری یک پدیده خلق الساعه و فی البداهه نیست. سبک معماری بازتاب و تبلور تحولات در بطن جامعه است. سبک یک جریان فکری و هنری است که بر اساس خصوصیات و مقتضیات یک جامعه در هر دوره شکل می‌گیرد. سبک، انعکاس تفکرات و تحولات اجتماعی در کالبد معماری است. سبک معماری، یک شیوه خاص تفکر نسبت به طرح معماری است. در نتیجه، نحوه نگرش به عوامل مختلف در طراحی (مانند سایت، اقلیم، تاریخ، فن‌آوری، مذهب، سنت، آینده و بستر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) در سبک‌های گوناگون با یدگیر تفاوت دارد (قبادیان، ۱۳۹۲: ۴۰۰).

در ایران، مطالعه و بررسی آثار تاریخی معماری ایران از حدود یک قرن پیش با ورود افرادی که بیشتر با هدف باستان شناسی و گاهی پژوهش و تحقیق^۱ به ایران آمدند، آغاز شد (گلپجانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۳). وجود ده‌ها کتاب و مقاله در معرفی معماری ایران از این مستشرقان دستاورد این حضور است. اما به نظر می‌رسد (به دلیل عدم آشنایی کافی با فرهنگ، زبان و ادبیات ایران نتوانستند روح حاکم بر معماری این سرزمین را دریابند (گلپجانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۴).

برای سبک شناسی جدید معماری، با توجه به تعریفی که این مقاله به دنبال آن است، تأکید بیشتر بر روی روش کیفی است که از روش تفسیری پیروی می‌کند. اما بعضی تحقیقات طیفی‌اند که یک سوی آن تحقیقات کیفی و سوی دیگر آن تحقیقات کمی قرار دارد تا بتوان با نگاه جامع تمام موارد دخیل بر سبک شناسی را رصد و تفسیر نمود. کیفی بودن ماهیت پژوهش مانع از آن نیست که محقق راه‌های کمی کردن نتایج تحقیق را بیاموزد و نتایج خود را در قالب کمی عرضه کند و حتی برای امکان راستی آزمایی آن تعریف به کمک روشی کمی داده‌ها را تحلیل نماید.

جدول ۱- روش‌های پژوهش در معماری، انواع روش‌ها و رویکردها در مطالعه تاریخ معماری. (ماخذ: نگارندگان)

تعریف	روش	ملاک تقسیم‌بندی
تبدیل اطلاعات تحقیق به صورت نمادهای ریاضی برای تحلیل‌های آماری	کمی ^۲	ماهیت داده‌ها
از روش‌شناسی تفسیری پیروی می‌کند برای توصیف و فهم پدیده‌ها و نهایتاً رسیدن به الگوها	کیفی ^۳	
از مطالعه و بررسی جزئیات با اتکا به تجربه و آزمایش و درک واقعیت‌ها، احکام کلی حاصل می‌گردد.	استقرایی	نحوه برخورد با داده‌ها ^۴
از احکام کلی و اطلاعات پیشین قوانین جزئی نتیجه می‌شود.	قیاسی	
هدف جست‌وجو و دستیابی به اسناد گذشته است. این روش مستلزم داشتن نظری معرفت‌شناختی برای تفسیر شرایط گذشته است.	راهبرد تحقیق تفسیری-تاریخی	راهبردهای تحقیق در معماری (گروت، واتگ، ۱۳۸۶)
بر شرایط اجتماعی و فرهنگی معاصر اتکا دارد و برای فهم معانی و فرآیند دست‌ساخته‌ها و فعالیت‌های انسان مناسب است.	راهبرد تحقیق کیفی	
برای کشف ارتباط میان دو یا چند متغیر مناسب است.	راهبرد تحقیق همبستگی	
پیوندهای علی میان دو یا چند متغیر را مورد بررسی قرار می‌دهد.	راهبرد تحقیق تجربی و شبه تجربی	
دانش «یک واقعیت» را می‌توان با بازسازی آن در محیطی جایگزین کسب کرد.	راهبرد تحقیق شبه‌سازی و مدل‌سازی	
مهمترین ویژگی تعریف سامانه، عناصر تشکیل دهنده آن و چگونگی ارتباط آن با سایر سامانه‌هایی است که در مجموع می‌توانند آرایه‌ای منطقی به جهان هستی بدهند.	راهبرد استدلال منطقی	
مطالعه موردی یک مکان یا موقعیت یا بهره‌گرفتن همزمان از چند روش تحقیق	راهبرد پژوهش موردی و راهبردهای ترکیبی	نگرش‌ها در شناخت معماری (معماریان، ۱۳۸۴)
کاربردی دیدن اجزاء و عناصر معماری، هر جزئی به یک دلیل خاص اقلیمی	نگرش اقلیمی	
برخی محققین معماری، شکل را مساوی همه معماری قرار داده‌اند.	نگرش شکلی	
مورخ معماری براساس مستندات، یک واقعیت تاریخی را معرفی می‌کند.	نگرش تاریخی-تکاملی	
برخی معماران، معماری را معادل فهم فضا می‌دانند.	نگرش فضاگرا	
این گروه فرهنگ را عامل اصلی تاثیرگذار بر شکل بنا می‌دانند.	نگرش فرهنگی-اجتماعی	
در این نگاه معماری تجلی دهنده برخی از اصول سنت است. کشف پیام‌های سنت از اثر یکی از کارهای این گروه است.	نگرش معناگرا	دیدگاه‌های شناخت معماری
شرح کمی و کالبدی از معماری گذشته	تاریخی	
دریافت ارزش‌های فضایی معماری در دوره‌های مختلف معماری	معماران	گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶
قبل از هر چیز، مظاهر زیبایی معماری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.	هنرشناسانه	
معماری به عنوان یک فراورده فرهنگی در باستان‌شناسی	باستان‌شناسی	
استفاده از تعابیر تشبیهی برای معرفی معماری	تشبیهی	

دوره‌بندی ^۵	طبقه‌بندی بر اساس بازه‌های زمانی با توجه به زمان ساخت اثر
روش فرهنگ‌نامه‌ای	اطلاعات اندک بصورت توصیف و گزارش از بناها (مونومان‌ها) جدا از مطالعه زمینه‌ها
روش تفسیری	تفسیر بناها بر اساس دیدگاه‌های از پیش مشخص
روش گونه‌شناسی ^۶	بر حسب معیارهای شکلی یا عملکردی فضاها و یا کاربری بناها طبقه‌بندی صورت می‌پذیرد.
روش تک‌نگاری	بر آن است تمام جوانب یک اثر انتخاب شده را معرفی نماید.
بر اساس حوزه جغرافیایی و اقلیمی	طبقه‌بندی بر اساس حوزه‌های جغرافیایی است. بیشتر رویکرد اقلیمی به معماری دارد.
بر اساس سلسله‌های حکومتی	هر طبقه بر اساس روی کار آمدن و انقراض سلسله‌های سیاسی و حکومتی تعریف می‌شود.
مکتب ^۷ ، گرایش، جنبش	بر اساس جریان‌های فکری، بینش مذهبی یا فلسفی
شیوه‌شناسی ^۸	بر شمردن یکسری ویژگی‌های مشترک، خصوصیات مشترک در قالب چند مفهوم است: مفاهیم مصالح، مفاهیم سازه، مفاهیم کالبدی که در جایی رواج پیدا کرده است.
سبک‌شناسی ^۹	تحلیل‌های کالبدی و محتوایی بنا
بر اساس شخص	بانی، حامی، سازنده، هنرمند
نام سرزمین که دلالت بر ویژگی‌های قومی دارد.	معماری را بیش از هر چیز به پدیدآورندگان آن پیوند می‌زند و بر اساس آنان آثار را طبقه‌بندی می‌کند.
ریخت‌شناسی ^{۱۰}	بر حسب معیارهای شکلی. البته برخی این رویکرد را زیرمجموعه گونه‌شناسی می‌دانند.
استخراج و دسته‌بندی الگوها ^{۱۱}	الگوها را بر اساس ویژگی‌های فرمی و فضایی ^{۱۲} یا کیفیات فضایی و نیازهای انسانی ^{۱۳} . الگو در آن واحد هم شئی است که در عالم حادث می‌شود، و قانده‌ای است که به ما می‌گوید چگونه آن شی را به وجود آوریم (الکساندر، ۱۳۸۱: ۲۱۵).

بر اساس رویکردهای پژوهش برای طبقه‌بندی

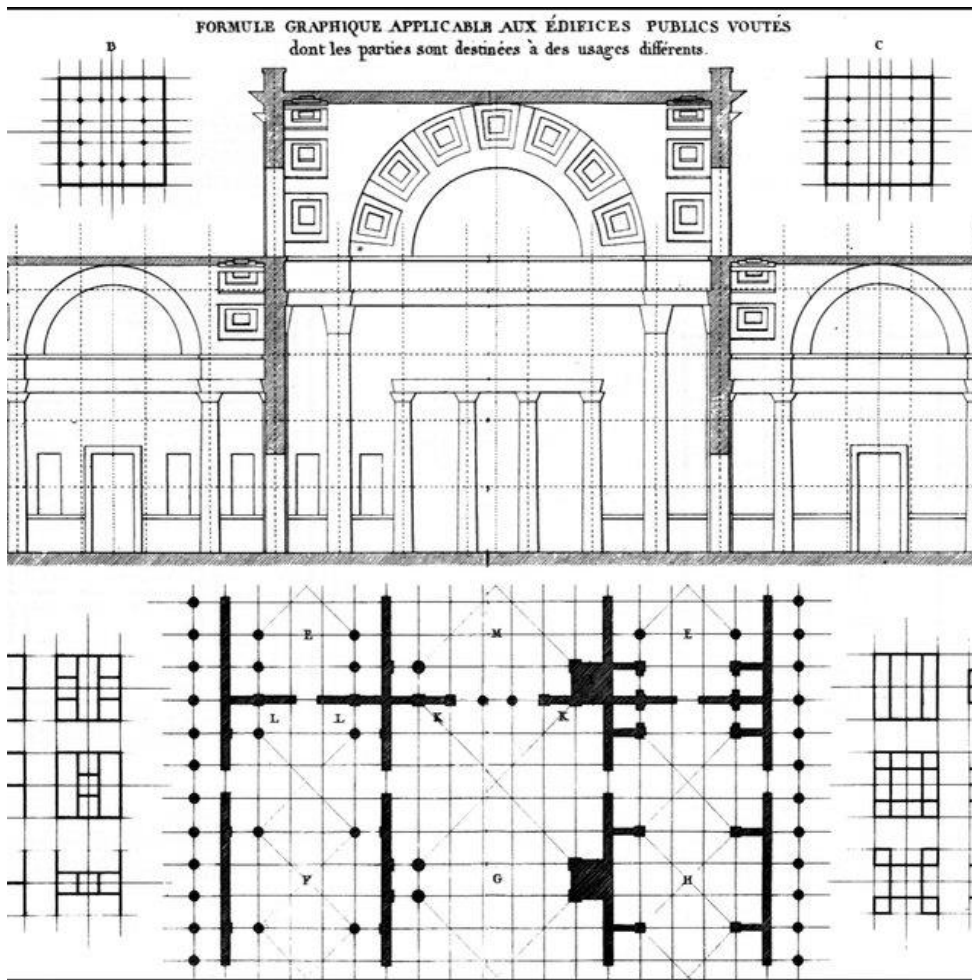
۵- مبانی نظری

۵-۱- بحث در مورد "سبک جدید عصر" در ۱۸۳۰-۱۸۵۰

در اواخر دهه ۱۸۴۰، کلاسیک‌گرایی به یکی از سبک‌های نو تبدیل شد. نه تنها توسط جهت‌گیری‌های رسانه‌ای و «ملی» از بین رفت، بلکه در آن دوره، فروپاشی نظام هنری آن پایان یافته بود. در سال ۱۸۴۲، معمار انگلیسی T. L. Donaldson، با خلاصه کردن «توسعه سبک معماری رمانتیک»، «معادل» سبک‌ها را در آن زمان اعلام کرد و تأکید کرد که «دیگر هیچ سبک مسلط واحدی وجود ندارد. ما اکنون در پیچ و خم آزمایش‌ها سرگردان هستیم» (Amiri; 2016).

در اواسط قرن نوزدهم، جریان‌های زیادی در معماری شکل گرفتند که ممکن است تقریباً بین دو قطب قرار گیرند. در یکی از آنها، معماران به دنبال معماری حقیقت‌سازنده و استفاده درست از مواد بودند (شکل ۱) (Ando; 1993). قطب مقابل میزبان تئوری سبک‌های نو بود که با جستجوی معنای نمادین اشکال^{۱۴} فردی تسلط داشت (Bertoni; 2002). معماران با به کارگیری سبک‌های گذشته، ایده‌های مربوط به آن را نیز بازسازی کردند (شکل ۲).

آن‌ها می‌گویند که همه چیز اختراع شده است. و زمان افتتاحیه‌ها به پایان رسیده است. تنها چیزی که برای هنر باقی می‌ماند این است که انتخاب و تقلید کند. چه کسی گفت که آن‌ها قادر نخواهند بود یک سبک معماری معتبر از هزاران نوع مختلف ایجاد کنند (Ando; 2002). دهه‌ای که بین این دو بینایی امتداد می‌یابد، انتقال به یک مشکل جدید در نظریه معماری - جستجوی راه‌های ایجاد یک سبک جدید عصر پس از مطالعه سبک‌های تاریخی^{۱۵}، نظریه پردازان وظیفه تعیین معیارهای کلی معماری را تعیین کردند که می‌تواند سبکی یکپارچه ایجاد کند (Aziz Amen; 2017).



شکل ۱- سیستم شبکه‌ای به عنوان اساس «معماری پایدار» (ماخذ: Evenson; 1969)



شکل ۲- تکمیل کلیسای جامع کلن (ماخذ: Frampton; 1992)

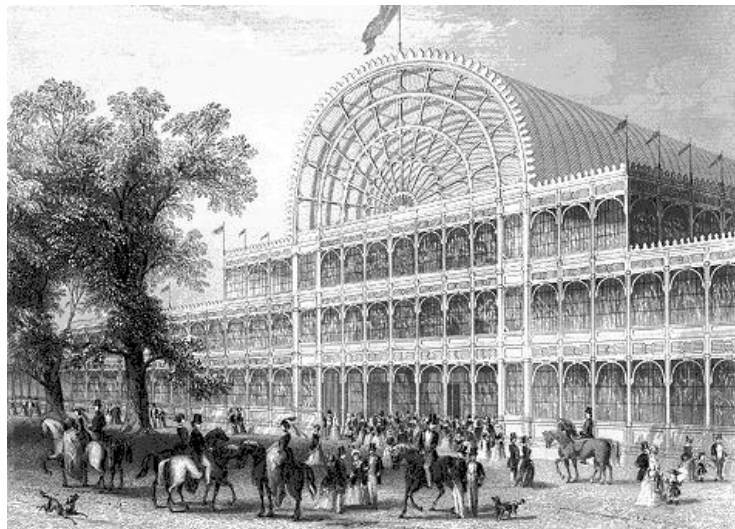
نشانگر عدم وجود تعریف روشن از آن بود. اکثر محققان اروپایی به تعدد مفهوم آن زمان سبک پی بردند. به عقیده نظریه پردازان فرانسوی، دامنه تعاریف بین قطب‌های سبک هنرمند و سبک دوران پخش می‌شود. E. E. Viollet-le-Duc، به عنوان مثال، در میان سبک عصر و سبک هنرها متمایز بود (Arenibafo; 2017). او همچنین مفاهیم را برجسته کرد [۴]: سبک نسبی (وابسته به ماهیت موضوع) و سبک مطلق (تعریف شده توسط مفهوم زیبایی شناختی غالب). دوگانه بودن سبک قرن نوزدهم (جنبه‌های علمی و هنری آن) یا بهتر بگوییم مبنای سازنده و روش تأثیر زیبایی شناختی توسط س. دالی مورد تأکید قرار گرفت (Colquhoun; 1969).

تئوریسین آلمانی G. Semper این سبک را به عنوان "بالاترین سطح تجسم هنری ایده اصلی یک اثر هنری با در نظر گرفتن تمام عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر آن" تعریف کرد. H. Hübsch نوشته است که "سبک را باید به عنوان چیزی جهانی دانست که برای همه ساختمان‌های یک ملت خاص مناسب است". سبک جدید دوران باید از وقار و عظمت برخوردار باشد، مقرون به صرفه باشد و ماهیت یک بنای هنری داشته باشد. استاد فرانسوی E. E. Viollet-le-Duc ادعا کرد که "سبک بیان ایده آل است که بر قوانین خاصی استوار است" (Evenson; 1969).

همه معمارانی که ایده سنتز فرم‌های تاریخی و معاصر را اعلام کردند، در عمل خود از روش التقاط استفاده کردند. این بنا مبتنی بر استفاده رایگان از کل میراث معماری بود و ابزار اصلی برای ایجاد سبکی جدید به حساب می‌آمد (Frampton; 1983).

اساتیدی که از روش التقاط‌گرایی استفاده می‌کردند، با مخالفت گروهی از نظریه‌پردازان - عقل‌گرا مواجه شدند که استفاده صحیح از مصالح^۵ و طراحی و تبیین هدف سودمندی بنا را از جنبه‌های اصلی ایجاد سبکی جدید می‌دانستند (شکل ۳).

شکل‌گیری گرایش عقل‌گرایانه منعکس‌کننده تضادهای مهم نظریه معماری قرن نوزدهم بود. از یک سو، ما شاهد تمایل معماران برای حفظ فرم‌های سنتی بودیم. از سوی دیگر آن‌ها می‌خواستند از دستاوردهای فنی مدرن استفاده کنند که به ناچار به خروج از چارچوب‌های سنتی منجر شد. این وضعیت به محقق سوئیسی W. Hermann این امکان را داد که در سال ۱۹۳۲ بیان کند که "در قرن نوزدهم، معماری در ساختمان‌ها و آرمان‌های هرگز به اندازه دهه ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۰ به مدرنیته نزدیک نشده بود" (Frampton; 1992).



شکل ۳- جوزف پکستون، قصر کریستال در لندن، انگلستان (ماخذ: Ianca; 2016)

نظریه پردازان جهت عقل‌گرایانه با مخالفت معمارانی مواجه شدند که جنبه‌های معنوی و ایدئولوژیک-زیبایی شناختی سبک برای آن‌ها نکته اصلی بود. آن‌ها سعی کردند با استفاده از تجربه خلاقانه آن دوره، دوره‌ای ایده آل در تاریخ پیدا کنند و مشکلات معاصر خود را حل کنند (شکل ۴).



شکل ۴- جوزف پکستون، قصر کریستال در لندن، انگلستان (ماخذ: Koning H; 1981)

برنامه‌ای که برای خلق چیزی جدید طراحی شده بود به خودی خود التقاطی بود: سبکی که در نظر گرفته شده بود «بیان ماهیت زمانه» بر اساس نمونه‌های اولیه تاریخی ظاهر شود (Guzer; 2006). به هر شرکت کننده مسابقه اجازه داده شد "از آزادی کامل با سبک‌های مختلف معماری و تزئینات آن‌ها برای حل مناسب وظایف محول شده لذت ببرند" جستجو برای "سبک جدید"، ترکیب "شان و عظمت مناسب"، "مصلحت عملی" و «کارایی اقتصادی» قرار بود با ایجاد «یک بنای مشخصه هنر و آموزش» تکمیل شود. اگرچه آن‌ها امیدوار بودند که "کلی اصیل، زیبا و ارگانیک" به دست آورند، اما تمام پروژه‌های ارائه شده نمونه‌های برجسته‌ای از التقاط بودند (Ianca; 2016).

نتایج مسابقه توسط G. Semper خلاصه شد: «بنابراین، به بالاترین اراده و سفارش سلطنتی، در مونیخ، سبک ماکسیمیلیان ظاهر شد که بر این ایده استوار است: فرهنگ ما از عناصر همه فرهنگ‌های قبلی تشکیل شده است. بنابراین، سبک معماری مدرن ما باید آمیزه‌ای از سبک‌های همه زمان‌ها و ملل باشد» (Jabre; Moghaddam; 2005).

سمپر دلیلی برای عدم ایجاد سبک یکنواخت عصر در توسعه علوم و صنعت دید که مواد جدیدی را در اختیار معماران قرار داد. در مورد این مصالح، معماران «اولاً نمی‌دانند چگونه از آن‌ها استفاده کنند. و ثانیاً هیچ شرایط اجتماعی وجود ندارد، که می‌تواند به توسعه سریع «مهارت‌های جدید» کمک کند. او دلیل دیگری را در وابستگی معمار به سلیقه مشتری می‌دید (Jaff; 2017). او از این وضعیت ناراضی بود، جایی که یک استاد در درجه اول باید با کارهای هنری سروکار نداشته باشد، بلکه به نحوه بیان "وضعیت مالکیت و موقعیت اجتماعی مشتری" فکر می‌کرد. بیان آزاد هنری نیز توسط روابط جدید بازار محدود شد که تحت آن «هنر عالی نیز وارد بازار شد». از نظر نظریه پرداز، دلیل مهم انحطاط هنر نیز «عدم وجود ایده‌های اساسی اجتماعی» بود. جی. سمپر وضعیت معماری زمان خود را «حالتی بین نابودی کهنه و ایجاد جدید» تعریف کرد (Jawdat; 2005).

مشکلات مطرح شده در طول بحث در مورد سبک جدید عصر در قرن ۱۹ حل نشد. مسئله سبک ارتباط خود را برای نظریه معماری در دهه‌های بعد حفظ کرد.

۶- یافته‌ها

۶-۱- «سبک جهانی جدید» قرن بیست و یکم را جستجو کنید

امروزه شاهد احیای علاقه به سبک معماری هستیم. این موضوع در آثار A. G. Rappoport, A. V. Ryabushin, A. I. Dobritsina و دیگران پوشش داده شده است. S. O. Chan-Magomedov پیشنهاد کرد که تاریخ معماری را به عنوان گفتگوی بین‌المللی "ابر سبک‌ها" در نظر بگیریم: کلاسیک (بر اساس معماری نظم) و مدرنیسم. امروزه در آکادمی معماری و هنر دولتی اورال، L. P. Cholodova و شاگردانش تلاش می‌کنند تا «مبانی شکل‌گیری سومین سبک جهانی، پس از کلاسیک گرایی و مدرنیسم» را شناسایی کرده و مفهوم ابر سبک هزاره جدید را فرموله کنند. ، "که می‌تواند آخرین روندهای جهانی در معماری را تثبیت و توضیح دهد" (Jencks; 1987). از مطالعات خارجی دهه‌های اخیر می‌توان به انتشارات U. O. Attoe, H. P. Bont, M. Vance, P. Eisenman, M. Tafuri و دیگران اشاره کرد. در سال ۲۰۰۸، پاتریک شوماخر، در لندن، مقاله‌ای با عنوان «پارامتریسم - سبک جهانی جدید برای معماری و طراحی شهری» منتشر کرد. با توجه به عدم وجود جانشینی امروزی و گسستن پیوندهای معماری مدرن با میراث تاریخی، شوماخر درک سبک معماری را به عنوان یک برنامه علمی-پژوهشی و یک پارادایم پیشنهاد کرد (Saletnik; 2009).

شوماخر با برجسته کردن سبک‌های دورانی و گذرا در تاریخ معماری، مفهومی از سبک‌های کمکی اعم از تاریخی و معاصر را معرفی کرده است. به عنوان مثال، در مدرنیسم، می‌توان کارکردگرایی، عقل گرایی، ساختارگرایی، بروتالیسم، متابولیسم و فناوری پیشرفته را تشخیص داد (Schumacher P; 2009). همه این سبک‌های متوسط مدرنیسم به‌وضوح از اصول طراحی عملکردی پیروی می‌کنند: از کلی تا خاص. پست مدرنیسم و ساختارشنکی با استفاده از کنایه و کلاژ به سبک‌های تاریخی در شکلی جدید پرداخته‌اند (شکل ۵).



شکل ۵- ساختمان M2 در توکیو (ماخذ: Velibeyoglu; 1997)

سبک مدرن پارامتریسم^{۱۶}، از یک سو، مبتنی بر روش‌های علمی و فناوری‌های دیجیتال است. اما از سوی دیگر معیارهای زیبایی‌شناختی جدیدی را برای توسعه جدیدترین سیستم فرم‌سازی ایجاد می‌کند. در این سبک، تعدادی از سبک‌های کمکی در حال توسعه هستند: باروک^{۱۷} دیجیتال، مورفو ژنز دیجیتال؛ شهرسازی پارامتریک، طراحی مورفو - اکولوژیک و تزئینات پارامتریک (Koning H; 1981). هر یک از این سبک‌های کمکی در حال توسعه زیبایی‌شناسی معماری خاص خود هستند، اما همه آن‌ها بر خلق ترکیبات جدید از اشیاء هندسی قابل تغییر پویا متمرکز هستند (شکل ۶).



شکل ۶- ساختمان گلکسی سوهو، پکن، چین. معماران زها حدید، ۲۰۱۲ (ماخذ: Qobadian; 2003)

پاتریک شوماخر اشاره کرده است که «اگرچه پارامتریسم در تکنیک‌های انیمیشن دیجیتال اواسط دهه ۱۹۹۰ ریشه دارد، اما تنها در سال‌های اخیر با توسعه سیستم‌های طراحی پارامتریک پیشرفته کاملاً خود را نشان داده است. اکنون پارامتریسم به یک سبک غالب و تنها سبک در عمل آوانگارد تبدیل شده است» (که توسط NK برجسته شده است) (Kholodova L.P; 2014). نویسنده تأکید کرده است که سبک جدید «موفق به مدرنیسم به عنوان موج بلند جدیدی از نوآوری‌های سیستمی می‌شود» و «دوره انتقالی عدم قطعیت را که ناشی از بحران مدرنیسم است و با برخی اپیزودهای کوتاه از جمله پست مدرنیسم، ساختارشکنی و قابل توجه است، پایان می‌دهد». مینیمالیسم» (Krakowski P; 1979). به گفته شوماخر، پارامتریسم «در همه زمینه‌ها - از معماری و طراحی داخلی گرفته تا برنامه‌ریزی شهری در مقیاس بزرگ» نیاز به بی‌نهایتی دارد. این پیش شرط سبک، «پیچیدگی برنامه‌ای» و توانایی آن برای انطباق با معماری و شهرسازی «دوران اجتماعی-اقتصادی پسا فوردیسم^{۱۸}» و «جامعه توده‌ای» را مشخص می‌کند (Kruft H; 1986). از نظر شوماخر، تغییر سبک به معنای دستیابی به سطح جدیدی از توسعه، پیشرفت معماری و فرآیندی است که در آن تحول تکاملی درون سبک با یک جهش انقلابی و ظهور یک سبک جدید به دنبال دارد. به عنوان مثال، بحران و افول مدرنیسم منجر به التقاط‌گرایی فعلی شد که باید با سبک جدید جایگزین شود. زمان نشان خواهد داد که آیا برخلاف تلاش‌های استادان قرن نوزدهم ایجاد خواهد شد یا خیر.

۲-۶- سبک‌شناسی در هنر و معماری

برای ورود به این بخش قبل از هر چیز شایسته است تعاریف نظری سبک از فرهنگ‌نامه‌های تخصصی مرور گردد. همان‌طور که در بخش تبارشناسی مشاهده گردید حوزه ادبیات سبک خصوصاً در هنر و معماری بیشتر ادبیات ترجمه‌ای می‌باشد. پس برای جلوگیری از سو تعبیرهای این مفهوم وارداتی، تعاریف به زبان اصلی هم آورده شده است (جدول ۲).

هر سبک در دوران حیات خود سه مرحله را طی می‌کند. مرحله ظهور یا مقدماتی، مرحله بلوغ یا شکوفایی و مرحله زوال یا انحطاط. پیرنیا از این سه مرحله به صورت مراحل طبیعت‌گرایی و کلاسیک و انحطاط نام می‌برد.

پژوهش‌گران تاریخ هنر و معماری به مدد تئوری‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسان قائل به دیدگاه‌های متفاوت برای سیر تحول سبک‌ها می‌باشند با مطالعه مطالعات انجام شده این پژوهشگران می‌توان دو نوع دیدگاه را در مسیر سبک‌شناسی استخراج نمود (پیرنیا، ۱۳۵۳):

- ۱) تداوم همراه با تکامل و پیشرفت در تحول سبک‌ها.
- ۲) تداوم بدون تکامل در تحول سبک‌ها. بسیاری از تاریخ‌نگاران هنر معتقدند سیر تحول سبک در ادوار تاریخ را می‌توان به صورت دواپری متصل به هم ترسیم نمود. در مورد این تداوم نیز در نزد تاریخ‌نگاران یکسان برخورد نشده است:

سیر تحول تداومی خطی: هر سبک در خود سه مرحله را طی می‌کند و بعد از افول، سبک جدید پدید می‌آید. در این نگاه ممکن است حیات سبک‌ها با هم هم‌پوشانی نیز داشته باشند اما سبک جدید از سبک قبلی متولد نمی‌شود و از این جهت از آن مستقل است (Kholodova L.P; 2014).

سیر تحول تداومی چرخه‌ای: سیر تحول هنر و به تبع آن سبک‌های هنر بر اساس این دیدگاه در سه گونه ذهنیت در نوسان است، ذهنیت حسی، مفهوم پردازانه و آرمان‌گرایانه. به عبارت دیگر در مطالعه سبک‌ها، در سیر تاریخی می‌توان این سه ذهنیت و تأثیراتش را یافت که به صورت چرخه‌ای ادامه می‌یابند. بر این مبنا گرایش به طبیعت را می‌توان معلول ذهنیت حسی دانست که موجب ظهور ویژگی طبیعت‌گرایی در هنر می‌شود و سبک یا سبک‌هایی با این ویژگی به وجود می‌آیند.

جدول ۲- تعاریف نظری سبک در حوزه هنر و معماری. (ماخذ: نگارندگان)

ترجمه	ذیل واژه STYLE	فرهنگ نامه (دیکشنری)
سبک دسته بندی تعدادی بنای مشخص است که در بسیاری از ویژگی‌ها با هم اشتراک دارند. شامل تشابه: در ظاهر کلی، در چیدمان عناصر اصلی طراحی، در تزئینات، در نوع مصالح ساختمانی، در فرم، مقیاس و سازه. چنین سبک‌هایی معمولاً وابسته به یک دوره خاص تاریخی، سرزمین مبدأ، باورهای دینی و یا معماری ادوار گذشته هستند. معمولاً عباراتی که در خود واژه سبک را دارد (مانند مثلاً سبک سائافه) بیشتر یک مد یا حالت معمارانه است تا یک سبک معمارانه.	Architectural style a classification characterizing buildings that share many common attributes, including similarity in general appearance, in the arrangement of major design elements in ornamentation, in the use of materials, and in form, scale, and structure. Such styles are often related to a particular period of time, geographical region, country of origin, or religious tradition, or to the architecture of an earlier period. often, a term that includes the word style (such as Santa Fe style) is an architectural mode rather than an architectural style.	Dictionary of Architecture & Construction Cyril M. Harris First edition: America 1975
موضوع‌بندی هنر و معماری بر طبق باورهای زیبایی‌شناسی، دوره، هنرمند، ملیت، ایدئولوژی، مواد و غیره	The categorization of art and architecture according to aesthetic persuasion, era, artist, nationality, ideology, materials etc.	Dictionary of Architecture and Building Construction Nikolas Davics and Erkki Jokiniemi Elsevier Ltd. USA. First edition 2008
۱. ظاهر کلی طرح یک بنا، ساختار، چشم انداز، شیء، نقاشی، و یا طراحی‌های تزئینی، شامل ساخت و ساز، فرم، فضا، مقیاس، مواد، و تزئینات؛ ممکن است یک بیان فردی منحصر به فرد و یا بخشی از یک الگوی فرهنگی گسترده باشد. ۲. دسته‌ای از چیزهای مشابه که متمایز شده توسط ساخت و ساز خاص، فرم، و تزئین؛ همچنین ممکن است تا حدودی با دوره ساخت و یا تولید تعریف شده باشد.	1.The overall appearance of the design of a building, structure, landscape, object, painting, or decorative design, including construction, form, space, scale, materials, and ornamentation; may be a unique individual expression or part of a broad cultural pattern. 2.A category of similar things distinguished by characteristic construction, form, and ornament; may also be defined partly by the period of construction or manufacture.	Dictionary of Building preservation Ward Bucher Published by John Wiley & Sons, Inc New York 1996
یک روش متمایز طراحی.	A distinctive way of designing.	The Dictionary of Urbanism Robert Cowan Published by Streetwise Press (2005)
واژه سبک به روش عبارت پردازی هنری یک هنرمند خاص یا یک دوره ویژه اشاره دارد. به عنوان مثال، سبک رافائل، سبک گوتیک، سبک ایتالیایی.	The word style denotes in artistic phraseology the manner peculiar to an artist or epoch. For instance, the style of Raphael, the Gothic style, the Italian style.	Adeline's Art Dictionary, Architecture, Heraldry, and Archaeology Newyork. 1905
اصطلاح قرض گرفته شده از تاریخ هنر و باستان‌شناسی مورد استفاده برای اشاره به گروه از نقوش تزئینی متمایز است.	A term borrowed from art history and used in archaeology to refer to groups of distinctive decorative motifs.	The Concise Oxford Dictionary of Archaeology 2003

از ویتروویوس (حدود قرن اول ق.م) تا به امروز با منابع متعدد تاریخ هنر و معماری جهان مواجه هستیم که ساختار غالب آنها براساس طبقه بندی آثار است. برای استخراج رویکردهای گوناگون در عملیاتی کردن سبک شناسی، کتب و مقالات بیش از چهل تاریخدان و مورخ هنر در جهان بررسی گردید. از وزارت (۱۵۷۴-۱۵۱۱ م) تا السنر (۱۹۶۲ م). به دلیل اعتباری بودن تعریف سبک، طیف وسیعی از رویکردها رصد گردید. برای روشن شدن موضوع نتایج زیر را می‌توان از آن ارائه نمود (پیرنیا، ۱۳۵۳).

الف - از میان مطالعات تاریخ نگاران هنر می‌توان دو باور زیر را مشاهده نمود:

- ۱) باور اول، قائل به اصالت سبک در اثر هنری است به طوری که سبک در بطن آن قرار دارد و توسط پژوهشگر کشف می‌گردد. این نگاه از دیدگاه افلاطون (۳۴۸ - ۴۲۸ ق.م) نشأت گرفته که سبک را کیفیتی می‌داند که تنها در برخی آثار وجود دارد. این باور را می‌توان در یکی از دو گروه کاربرد اصلی سبک در نظر گامبریج (۱۹۰۹ - ۲۰۰۱ م) دانست که از آن به عنوان (کاربرد هنجاری) نام می‌برد (که ویژگی تمجید گرایانه دارد).
- ۲) در باور دوم، سبک ابزار، روش یا رویکردی است که پژوهشگر از آن برای مطالعه و طبقه بندی آثار استفاده می‌کند. در نظر ارسطو (۳۲۲ - ۳۸۴ ق.م) سبک، محصولی از عوامل متعدد است که در اثری جمع می‌شود بنابراین دیدگاه، برای هر اثری می‌توان سبک قائل شد. با این رویکرد مورخان هنر از سبک برای نظم بخشیدن به دوره‌های هنری استفاده می‌کنند. این باور کاربرد دوم گامبریج، یعنی (کاربرد توصیفی) است. که روش‌های گوناگون تولید^{۱۹} یا ساخت آثار که (بر اساس روش‌های رایج یا عادات مردمان، گروه‌ها، کشورها، یا دوره‌هایی خاص است)، بررسی می‌گردد (Kholodova L.P; 2014).

ب- از جهت تعداد افراد یا آثاری که به یک سبک منسوب می‌شوند می‌توان به سه شکل سبک‌ها را دسته‌بندی کرد:

- ۱) سبک فردی یا شخصی (۲ سبک جمعی یا گروهی ۳) سبک دوره. در تاریخ هنر دو رویکرد فرمالیستی و تاریخ‌های اجتماعی را می‌شود ردیابی نمود. مطالعه آثار بر اساس رویکرد فرمالیستی منجر به تعریف سبک فردی می‌شود و بر اساس رویکرد تاریخ اجتماعی به سبک دوره. سبک فردی یا سبک شخصی همچون امضا و یا دست خط به تشخیص فرد یا اثر اشاره دارد و در پی نوآوری ظهور می‌کند. سبک وقتی گروهی تلقی می‌شود که تأکید بر مقبولیت یک سری قواعد و قراردادها در گروهی از افراد یا آثار باشد. به عبارت دیگر زمانی که چندین هنرمند از یک سبک پیروی کنند سبک گروهی شکل می‌گیرد (پیرنیا، ۱۳۵۲).

ج- در عملیاتی کردن سبک سه نوع برخورد زیر قابل شناسایی است:

- ۱) رویکرد ایدئالیست‌ها که سبک را در ارتباط با فرهنگ و اجتماع و دوره بررسی می‌کنند. یا به عبارت دیگر برای رسیدن به سبک از کل و بستر اثر شروع می‌کنند.
- ۲) رویکرد تجربه‌گرایانه که سعی می‌کنند سبک‌ها را از طریق مطالعه دقیق جزئیات آثار هنری شناسایی کنند و با بررسی تک تک آثار هنری روابط و صفات مشترک آنها را کشف کنند.
- ۳) رویکرد تطبیقی که اجزای معماری را با نگاه ریخت‌شناسانه، در دوره‌های مختلف مقایسه می‌کند. در این ریخت‌شناسی آثار الزاماً نباید در پی یافتن همه صفات شناخته‌شده یک سبک بود. این رویکرد را نیز همانند رویکرد تجربه‌گرایانه می‌توان از نوع رویکرد جزء به کل دانست (جدول ۳).

جدول ۳- دو رویکرد در عملیاتی کردن تعریف سبک: کل به جزء و جزء به کل. (ماخذ: نگارندگان)

سبک ناشی از قراردادهای و قواعد آفرینش هنری خاص یک دوره است. ناشی از ساختار اجتماعی، فرهنگی و قواعد زیباشناختی دوران است. (که در قالب سبک دوره یا سبک گروهی یا سبک فردی تظاهر می‌کند).	از کل به جزء اثر هنری با مطالعه بستری که هنر در آن به وجود می‌آید می‌توان سبک را تشخیص و نام‌گذاری نمود.
سبک ناشی از جنبش هاست. جنبش هنری یک جریان یا حرکت هنری است که تحت تاثیر تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و یا عوامل دیگر شکل می‌گیرد و برای مدتی گروهی از هنرمندان را به تفکر و عملکرد مشابه می‌کشاند (هاوزر، ۱۳۸۲). (سبک گروهی)	
سبک نظامی خواهد بود پیش‌نهاده از راه و روش‌ها و دستورالعمل‌هایی که در دسترس اثر آفرین گذاشته می‌شود تا اثری پدید آورد که می‌تواند نتیجه آن سبک فردی باشد یا سبک گروهی.	
سبک زبانی است که می‌کوشد آنچه را از کشوری به کشور دیگر در معماری به ظهور می‌رساند آشکار سازد (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۱).	
سبک یک راه بصری افشای نگرش نسبت به برخی از عمیق‌ترین جنبه‌های تجربه انسان است (Crowther, 2012).	
معماری تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر جامعه گاه به این سو و گاه به آن سو می‌رود و در نتیجه سبک معماری نیز همین تغییرات را نشان می‌دهد (گروتز، ۱۳۷۵).	
هر سبک در قالب یک فرهنگ لغت است که انواع قطعات و نقش‌ها و روابط متقابل آنها را شامل می‌شود (Zhu, 2005).	از جزء به کل با مطالعه تمام جوانب اثر فرم و محتوا (ظاهر و باطن). کاربرد و فرا کاربرد «صورت و معنا» (پیار، ۱۳۵۵). «تکلیب بیرونی و شکل درونی» (اولک و وارن، ۱۳۸۹)
سبک نوعی الگو یا قالب بصری در بطن اثر هنری است که مورخ هنر از این ابزار برای طبقه‌بندی و تبیین تغییرات سبکی بهره می‌برد (مایر، ۱۳۹۰).	
واژه سبک که در هنرهای تصویری استفاده می‌شوند اشاره دارد به جنبه‌هایی از اثر که اجازه می‌دهد کارهای خاص و ویژه ارجاع داده شوند یک زمان و مکان و سرانجام یک دست خط و امضاء منحصر به فرد (Parker, 1990).	
سبک در معماری راهی است برای مدون کردن ساختمان‌سازی همگام با زمان (Crook, 1987).	
سبک معماری دستگاه هماهنگی از محدودیت‌های معماری است که نقش و ویژگی‌های عناصر معماری را محدود و منحصر می‌کند و تنها اجازه ارتباط آنها را با معماری مطابق با سبک را می‌دهد. (Fielding, 2000: 13).	
سبک‌ها مکانیزمی هستند برای طبقه‌بندی معماری و تعریف کردن ویژگی‌های مشترک (Fielding, 2000: 14).	
سبک‌ها با نگاهی ریخت‌شناسانه مقایسه و به قصد بازشناسی سجایایشان در تقابل هم قرار می‌گیرند (Fletcher, 1967).	

۷- تحلیل یافته ها

۷-۱- سبک شناسی معماری ایران

در تاریخ‌نامه‌های معماری ایران روش‌های بکار رفته در بخش دوم قابل مشاهده است. در ادامه برخی از شاخص‌ترین تاریخ نگاران معماری ایران آورده و سعی می‌شود ردپای سبک^{۲۰} و سبک شناسی در نزد آنها جستجو گردد (جدول ۴ و ۵)

الف) بررسی دیدگاه‌های برخی از پژوهشگران ایرانی در حوزه تاریخ معماری ایران

جدول ۴- دیدگاه برخی از پژوهشگران ایرانی حوزه تاریخ معماری ایران در مورد سبک. (ماخذ: نگارندگان)

پژوهشگر	در مورد سبک
محمد کریم پیرنیا (۱۳۷۶-۱۲۹۹ ه.ش)	- به دلیل جایگاه ایشان در سبک‌شناسی معماری ایران، برای داشتن مجال کافی برای معرفی و بررسی آرای ایشان، ذیل عنوانی مستقل به آن پرداخته شده است.
مهدی فرشاد	- تنها مورخ ایرانی که قبل از پیرنیا تعریفی روشن از سبک ارائه داده است. - سبک‌های ساختمانی از کاربرد فرم‌های ساختمانی ساده و با ترکیب آنها با یکدیگر به وجود می‌آیند. - تعریف سبک را وابسته به عنصر فرم می‌داند که آن نیز وابسته به دو پارامتر دیگر یعنی موجودیت فیزیکی و ویژگی‌های مکانیکی است.
محمد یوسف کیانی	- مبنای طبقه‌بندی قرار گرفته دوره‌های حکومتی ایران. - واژه شیوه متکی به مفهوم دوره است و زمانی می‌تواند معنادار باشد که همراه و همزاد دوره به کار رود. - سبک به مفهوم شیوه ولی در بعضی موارد در مقیاس کوچکتر است. در توضیح معماری مناطق محدودتر و کوچکتر به جای واژه شیوه از واژه سبک و اسلوب استفاده نموده است.
باقر آیت ... زاده شیرازی	- از بزرگان عرصه حفاظت و مرمت معماری ایران. - در موضوع طبقه‌بندی آثار برای واژه دوره بیش از دیگر واژه‌ها اعتبار قائل بود. - اگرچه خصلت‌ها و خصوصیات فنی آثار مدنظر است اما در تبیین بازه زمانی آنها ساختارهای حکومتی و سیاسی را پیش از سایر موارد اهمیت می‌داد. - از واژه سبک بیشتر برای دلالت بر خصوصیات فنی یک اثر دوره خاص استفاده نموده است.
سید محسن حبیبی	- تاریخ شهرسازی ایرانی را بر اساس سبک شناسی پیرنیا به پنج سبک طبقه‌بندی نموده است. - واژه‌های شیوه و سبک دارای معنای واحدی بکار رفته‌اند و تمایز زیادی باهم ندارند. - در حوزه تاریخی اصفهان و در مقطع زمانی قرون یازدهم تا سیزدهم به جای شیوه یا سبک عنوان مکتب اصفهان را در شهرسازی مطرح می‌نماید. - واژه‌های نظیر سبک و شیوه اجزایی از مکتب هستند یا به وجه بهتر اینکه بخش‌هایی از مکتب را اگر از آن حذف کنیم به سبک یا شیوه می‌رسیم. - سبک‌ها یا شیوه‌ها در ایران می‌توانند زیر گروه‌ها یا زیر مجموعه‌ها یا زیر سبک‌هایی هم داشته باشند نظیر سبک هلنی- پارتی.
غلامحسین معاریان	- روش‌های پژوهش معاریان و به تبع آن، آثار وی بسیار متنوع است. - تعریف: سبک وجوه مشترک معماری یک دوره تاریخی را بیان می‌دارد. - سبک و شیوه را مترادف هم در نظر می‌گیرد. - در چاپ‌های اول کتاب سبک‌شناسی پیرنیا، شیوه‌های معماری ایرانی را استفاده نموده است و در چاپ‌های بعدی است که نام کتاب به سبک‌شناسی معماری ایرانی تغییر نام می‌دهد.
نسرین گلیجانی مقدم	- سبک را زیرمجموعه دیدگاه هنرشناسانه (یکی از ۵ دیدگاه مورد نظر ایشان به تاریخ معماری) برشمرده است. - سبک ابزار و روش برای نزدیک شدن به حقیقت اثر هنری در تاریخ هنر است که منجر به «تفکیک آثار براساس شباهت‌های شکلی موجود، زمان و یا دوره‌های آفرینش‌ها» می‌گردد (گلیجانی مقدم، ۱۳۸۶، ۲۸).
محمدحسین خادم‌زاده	- در رساله‌ی دکتری خود با بررسی و مقایسه تعدادی بنا در ایران و تعدادی بنا در یزد در بازه زمانی مشخص سعی در اثبات این موضوع دارد که یزد در بازه زمانی انتخابی دارای معماری متمایز از سایر نقاط است و نام آن را شیوه یزدی می‌گذارد. تعریف شیوه: «به نام سرزمین، دلالت بر ویژگی‌های قومی، وختصاصات فنی، شکلی و اندیشه‌های رایج در یک مقطع زمانی مشخص» (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۳).

محققانی که بر روی مبنای تاریخ نگاری سبک‌شناسی کار کرده‌اند

<p>- در مورد سبک تکلیف مشخص نیست! هر چند در ابتدا وقتی «مفاهیم اصلی و واژگان» را شرح می‌دهد اشاره دارد که «شیوه مرتبه پایین تر و حتی در مواردی بالاتر از سبک را در بیان محدوده‌های طبقه‌بندی (اکثراً محدوده‌های سرزمینی) به خود اختصاص می‌دهد» (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴). اما در ادامه و بدنه پژوهش دیگر به این تفاوت اشاره ای ندارد و در بخش «تحلیل» به این نتیجه می‌رسد که «واژه شیوه را می‌توانیم هم‌سنگ کلمه سبک بکار ببریم زیرا معادل فارسی آن است و از طرفی ترجمه تحت الفظی انگلیسی آن، Style آمده است و معانی آن نیز مترادف هم ذکر شده‌اند.» و در ادامه توصیه می‌کند: «استفاده از معادل فارسی آن یعنی واژه شیوه ارجحیت دارد» (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۷).</p>		
<p>- در رساله‌ی دکتری خود به دنبال مبنایی نظری برای دوره‌بندی در تاریخ معماری ایران است. - «دوره‌ها در تاریخ معماری، بنا بر نگرش مورخ، با توجه به تغییرات رخ داده در معانی، خیال، اندیشه‌ها، یا فنون و نحوه‌ی ساخت و ویژگی‌های طرح‌ها و فضاها و... شناسایی می‌شوند» (گلدار، ۱۳۹۳: ۷۶). - به نقل از گیدئون^{۴۳} سبک را مترادف با مشخصه‌های صورت آثار می‌داند و مشخصه‌های دوره را عمیق‌تر از آن می‌شمارد (گلدار، ۱۳۹۳: ۷۷).</p>	فاطمه گلدار	
<p>- در رساله دکتری خود مسئله را یافتن و پیشنهاد مبنایی نظری تازه‌ای برای سبک‌شناسی معماری ایران عنوان نموده است. سبک‌شناسی در تاریخ‌نگاری معماری شامل دو سطح طبقه‌بندی آثار و تدوین روایت سبکی است. - از روش تحلیل مایگانی یا مضمون^{۴۴} برای مقایسه تاریخ‌نامه‌ها استفاده نموده تا مولفه‌های سبک‌شناسی را استخراج و به کمک آنها «وضع رایج سبک‌شناسی» را قالب «مدل» معرفی کرده است. (حیدری دلگرم، ۱۳۹۵: ۱۵۵-۱۵۴)</p>	مجید حیدری دلگرم	

(ب) بررسی دیدگاه‌های برخی پژوهشگران غیر ایرانی در حوزه تاریخ معماری ایران

جدول ۵- دیدگاه برخی از پژوهشگران غیر ایرانی در حوزه تاریخ معماری ایران در مورد سبک. (ماخذ: نگارندگان)

در مورد سبک	پژوهشگر
<p>- مبنای تقسیم‌بندی عملکرد بناها به عنوان پایه کار انتخاب کرده است. سپس در دوره‌های حکومتی و بعد از اندکی ویژگی‌های سرزمینی. - گذار نگاهی معمارانه دارد و تلاش می‌کند وقایع و آثار معماری را با بهره‌گیری از زمینه‌های اجتماعی-سیاسی و تا حدودی فرهنگی تاریخی تفسیر کند. رویکرد و تحلیل‌های آن مورد اقتباس بسیاری قرار گرفت. - به دلیل نداشتن شناخت دقیق از بسیاری از مختصات فرهنگی و اجتماعی ایران و نیز نگاهی بی‌طرفانه بعضی تفسیرهای او بسیار بحث‌برانگیز است. پیرنیا در مقالات خود در مورد بسیاری از آرای او تشکیک و آنها را رد کرده است. - برای اولین بار در ایران و قبل از استاد پیرنیا به سبک خراسانی اشاره می‌کند. سبک خراسانی گذار هم از لحاظ زمانی هم از لحاظ ویژگی با سبک خراسانی پیرنیا متفاوت است.</p>	آندره گلدار ^{۴۶} (۱۸۸۱-) (م ۱۹۶۵)
<p>- به تداوم همراه با تکامل و پیشرفت در تحول سبک در معماری ایران اعتقاد دارد. - این مطلب که معماری ایران فاقد سبک تاریخی است را رد می‌کند. - مکتب شأنی نازل‌تر از سبک را در خود اختصاص می‌دهد و به اختصاصات هنری در مقیاس محلی و منطقه‌ای عنوان مکتب را داده است. - مکتب اشاره مستقیم به مکان تولد اثر دارد و شامل آن دسته از آثاری می‌شود که به موقعیت جغرافیایی خاص و مشخصی تعلق دارند. - این شخصیت‌های سیاسی و حکومتی هستند که با بکارگیری هنرمندان و تغذیه مالی و پشتیبانی‌های سیاسی موجب به وجود آمدن سبک‌های هنری در تولید آثار می‌شوند. - نام‌گذاری سبک‌ها و ملاک و معیار طبقه‌بندی آنها می‌بایست بر مبنای سیاسی باشد نه فنی.</p>	دونالد ویلر ^{۴۷} (-۱۹۰۷) (م ۱۹۹۷)
<p>- مبنای تقسیم‌بندی تاریخ هنر ایران را بر دوره و یا به بیان بهتر ساختارهای قدرت بنیان نهاده است. - واژه سبک در طبقه‌بندی ایشان تقریباً به همان معنای شیوه آمده است. - واژه شیوه بکار گرفته شده دلالت بر بعضی از اجزا و عناصر مهم در ساختمان معماری. - سبک‌هایی در معماری ایران تشخیص داده و آنها را بر دوره‌های تاریخی منطبق کرده است.</p>	آرتور ایهام پوپ ^{۴۸} (۱۸۸۱-) (م ۱۹۶۹)

1. Research
2. A little
3. Qualitative
4. Data
5. Periodization
6. Typology
7. School
8. Methodology
9. Stylistics
10. Morphology
11. Patterns
12. Spatial
13. Human
14. Problem
15. Historical
16. Parametrim
17. Baroque
18. Fordism
19. Production
20. Foot Track

۹- نتیجه گیری

اگر پژوهشگر حوزه معماری با توجه به انگیزه و هدف خود به این نتیجه برسد که نیاز به مطالعه متنوع در حوزه‌های گوناگون مرتبط با معماری که بتواند وی را به تعریف چهارچوب و مبانی مشخص و نتیجه مورد قبول برساند، دارد سبک شناسی به دلیل آنچه در این مقاله آمد گزینه مناسبی است. استفاده از این رویکرد در پژوهش معماری هم زبان بین المللی است و هم انعطاف این را دارد که با مبانی بومی چهارچوب صحیحی بگیرد. این مقاله سعی نمود طیفی وسیع معانی سبک را بررسی نماید. برخی مدعی‌اند تعابیر مختلف از سبک به اندازه طرفداران آن متنوع است و هر چه در طی سال‌ها پیش رویم خواهیم دید معنی آن نیز گسترش یافته است. سبک شناسی با انگیزه حفاظت و مرمت یکی از رویکردهای سبک شناسی می‌تواند باشد. در این رویکرد، تعریف نظری سبک همان است که در سایر رویکردها دیده می‌شود. اما این مقاله برای تعریف عملی، پیشنهاد جدید دارد. به پشتوانه مطالعات تعاریف سبک و سبک شناسی جدید در معماری امروزه، تعریف پیشنهادی با نیم نگاهی به نوع نگاه اندیشمندان ایرانی به شناخت و با مدد از مفاهیمی چون هستی، وجود، ماهیت، هویت و شخصیت، یک بنای تاریخی با شخصیت امروزی‌اش سبک شناسی می‌شود.

در نتیجه بازنگری انتقادی در مفاهیم بنیادی دانش معماری نیمه دوم قرن بیستم - آغاز قرن بیست و یکم، می‌توان نتیجه گرفت که شکل‌گیری تفکر خلاق مدرن با تجدید نظر در تاریخ معماری همراه است. و تغییر در ارزیابی وضعیت فعلی آن از منشور ایده‌های امروزی در مورد محیط فضایی. راهبرد و تاکتیک‌های حل مشکلات شهرسازی مدرن به عمق درک روابط معماری با دنیای انسان در تمامی پیچیدگی‌ها و تنوع‌های آن بستگی دارد. نظریه پردازان مدرن پیشنهاد کرده‌اند که سبک جهانی جدید را می‌توان از طریق ترکیب سنت‌های تاریخی با دستاوردهای مدرن علم و فناوری ایجاد کرد. کمک قابل توجهی در پرداختن به این مشکل ممکن است توسط "درس‌های تاریخ" ارائه شود، به ویژه، تاریخ جستجو برای سبک عصر، که محتوای اندیشه معماری قرن ۱۹ را تعریف کرد.

۱۰- قدر دانسی

تقدیم به پدر بزرگوار و مادر مهربانم

آن دو فرشته‌ای که از خواسته‌هایشان گذشتند، سختی‌ها را به جان خریدند و خود را سپر بلای مشکلات و ناملایمات کردند تا من به جایگاهی که اکنون در آن ایستاده‌ام برسم.

۱۱- مراجع

- ۱- الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۱)، معماری و راز جاودانگی راه بی زمان ساختن، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲- پیرنیا، محمد کریم، (۱۳۵۳)، کتاب هنر دبیرستان، بخش معماری، تهران: آموزش پرورش.
- ۳- حیدری دلگرم، مجید، (۱۳۹۵)، سبک شناسی معماری ایرانی در دوره اسلامی، پایان نامه دوره دکتری، استاد راهنما محمدرضا بمانیان، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- خادم زاده، محمد حسن، (۱۳۸۹)، شیوه یزد در معماری زمینه‌ها و ویژگی‌ها بازه زمانی ۶۲۰ - ۷۹۵ هجری، پایان نامه دوره دکتری، استاد راهنما سید محسن حبیبی، دانشگاه تهران.
- ۵- قبادیان، وحید، (۱۳۹۲)، سبک شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، تهران: موسسه علم معمار.
- ۶- گروتز، یورگ، (۱۳۷۵)، زیبا شناختی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۷- گلیجانی مقدم، نسرين، (۱۳۸۶)، تاریخ شناسی معماری ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- گلدار، فاطمه، (۱۳۹۳)، تبیین مبانی نظری برای دوره بندی تاریخ معماری ایران، پایان نامه دکتری، راهنما هادی ندیمی و مهرداد قیومی بیدهندی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹- ماینر، ورنن هاید، (۱۳۹۰)، تاریخ هنر، سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر، ترجمه مسعود قاسمیان، تهران: فرهنگستان هنر.
- ۱۰- هاوزر، آرنولد، (۱۳۸۲)، فلسفه تاریخ هنر، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: انتشارات نگاه.
- ۱۱- نوربرگ شولتس، کریستیان، (۱۳۸۱)، معماری حضور زبان و مکان، ترجمه علیرضا سید احمدیان، تهران: موسسه معمار - نشر.

- 12- Ali, F. (2018). The Influence of Le Corbusier On the emergence of the Aesthetic Values in the Modern Architecture of Cyprus. *Journal of Contemporary Urban Affairs*, 2(1), 1-12. <https://doi.org/10.25034/ijcua.2017.365> 1
- 13- Amiri, N. (2016). Modernism and Postmodernism in Architecture, an Emphasis on the Characteristics, Similarities and Differences. *Journal of Design, Art and Communication - Special Edition*. 6(1), 1626 – 1634. <https://doi.org/10.7456/1060agse/044>
- 14- Ando, T. (1993). In Dialogue with Geometry: The Creation of Landscape. *GA Architect*, 12(1), pp. 5-24.
- 15- Ando, T. (2002). Seven interviews with Tadao Ando. Surrey, Modern Art Museum of Forth Worth. Third Millennium Pub: USA
- 16- Arenibafo, F. (2017). The Transformation of Aesthetics in Architecture from Traditional to Modern Architecture: A case study of the Yoruba (southwestern) region of Nigeria. *Journal of Contemporary Urban Affairs*, 1(1), 35-44. [https://doi.org/10.25034/1761.1\(1\)35-44](https://doi.org/10.25034/1761.1(1)35-44)
- 17- Aziz Amen, M. (2017). The inspiration of Bauhaus principles on the modern housing in Cyprus. *Journal of Contemporary Urban Affairs*, 1(2), 21-32. <https://doi.org/10.25034/ijcua.2017.3645>
- 18- Bertoni, F. (2002). *Minimalist Architecture*, edited by Franco Cantini, translated from the Italian by Lucinda Byatt and from the Spanish by Paul Hammond. Basel, Boston, and Berlin: Birkhäuser.
- 19- Cerver, F. A. (1997). *The Architecture of Minimalism*. New York: Arco.
- 20- Crowther, Paul. (2012). *The Phenomenology of Modern Art Exploding Deleuze, Illuminating Style*. York.
- 21- Crook, J. Mordaunt (1987). *The Dilemma of Style Architectural Ideas from the Picturesque to the Postmodern*, University of Chicago Press.
- 22- Colquhoun, A. (1962). The Modern Movement in Architecture, *The British Journal of Aesthetics*, 2(1) 59–65, <https://doi.org/10.1093/bjaesthetics/2.1.59>
- 23- Evenson, N. (1969). *Le Corbusier: The machine and the grand design*, London: Studio Vista
- 24- Fielding, Roy Thomas (2000). *Architectural Styles and the Design of Network-based Software Architectures*, University of California Irvine.
- 25- Fletcher, Banister (1967) *A History of Architecture on the Comparative Method*, Charles Scribner's Sons Press.
- 26- Frampton, K and Futagawa, Y. (1983). *Modern Architecture 1851–1945*. New York: Rizzoli
- 27- Frampton, K. (1992). *Modern Architecture, a critical history*. London: Thames and Hudson.
- 28- Guzer, C. Abdi. (2006). *Architecture as a Cultural Continuity and Discontinuity: An alternative understanding of contextual Sensuality*. III Mediterranean Congress of Aesthetics. Portorose, Slovenia.
- 29- Ianca, S & Georgescu, M. (2016). Politehnica "University of Timisoara. *Architecture Notes*. Politehnica "University of Timisoara. Retrieved from: https://lovedoc.org/the-philosophy-of-money.html?utm_source=architecture-notes-pdf.
- 30- Jabre Moghaddam, M. Hadi 2005, *the city and modernity*, Tehran, published by the Academy of Arts.
- 31- Jaff, A. A. M. A., Shabander, M. S. A., & Bala, H. A. (2017). Modernity and Tradition in the Context of Erbil Old Town. *American Journal of Civil Engineering and Architecture*, 5(6), 217-224. <https://doi.org/10.12691/ajcea-5-6-1>
- 32- Jawdat, MR (2005), "You architecture draws you, but I will make it" *Proceedings of architecture and urbanism*, Tehran: the treasure.
- 33- Jencks, C. (1987). *The Language of Post-Modern Architecture*. New York: Rizzoli Academy Editions.
- 34- Saletnik, J & Schuldenfrei, R. (2009). *Bauhaus Construct*. New York: Routledge.
- 35- Schumacher P. (2009) *Parametricism - A New Global Style for Architecture and Urban Design*. *AD Architectural Design - Digital Cities*, 79, (4): 14-23.
- 36- Koning H. and J. Eizenberg, *The language of the prairie: Frank Loyd's Wright prairie houses*. In *Environment and Planning B*, 8 (3), 295-323, 1981. https://doi.org/10.1068/b_080295
- 37- Kholodova L.P. (2014) *Koncepty sowremennoj architektury [Concepts of modern architecture]*, Architecton: Proceedings of the universities, 31 See <http://archvuz.ru> (access 03.12.2014).
- 38- Krakowski P. (1979) *Teoretyszne podstawy architektury wieku XIX [The theoretical foundations of 19th century architecture]*, Warszawa - Kraków.
- 39- Krufft H.W (1986) *Geschichte der Architekturtheorie [The history of architectural theory]*, Verl. C.H. Beck, München.
- 40- parker, D.M., deregowski, J.B. (1990). *Perception and Artistic Style (Advances in Psychology)*, North-holland, Elsevier Science Publishers B.V.
- 41- Qobadian, V. (2003), *principles and concepts in contemporary architecture in the West*, Tehran: Cultural Research Bureau.

- 42- Velibeyoglu. Koray 1999. Urban Design in the Postmodern Context. Izmir Institute of Technology.
- 43- Zhu, Hong. (2005). Software Design Methodology: From Principles to Architectural Styles, Butterworth - Heinemann.